

تامارا قابوت رایس

هنرهای باستانی آسیای مرکزی

ترجمه:

دکتر رقیه بهزادی



۱۳۸۹

سرشناسه	رایس، تامارا تالبوت	Rice, Tamara Talbot
عنوان و نام پدیدآور	هنرهای باستانی آسیای مرکزی / تامارا تالبوت رایس؛ ترجمه رقیه بهزادی.	
مشخصات نشر	تهران: گستره، ۱۳۸۹.	
مشخصات ظاهری	۳۳۶ ص.	
شابک	978-964-6595-85-9	
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا.	
یادداشت	عنوان اصلی: Ancient Arts of Central Asia, 1965.	
یادداشت	کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی» توسط انتشارات تهران در سال ۱۳۷۲ منتشر شده است.	
عنوان دیگر	هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی.	
موضوع	هنر - آسیای مرکزی - تاریخ.	
موضوع	آسیای مرکزی - آثار تاریخی.	
شناسه افزوده	بهزادی، رقیه، مترجم.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۹ / ۲۵۹ ر / ۷۷۲۹۱	
رده‌بندی دیویی	۷۰۹ / ۵۸	
شماره کتابشناسی ملی	۲۰۰۲۱۱۶	



تامارا تالبوت رایس
 هنرهای باستانی آسیای مرکزی
 رقیه بهزادی
 حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید ستید کاظمی)
 چاپ اول: ۱۳۸۹
 تیراژ: ۱۶۵۰
 لیتوگرافی: باخترا
 چاپ و صحافی: طیف‌نگار
 کلیه‌ی حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:
 نشر گستره، تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،
 خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱
 تلفن و نمابر: ۶۶۴۴۰۳۸۸-۶۶۴۱۱۹۸۶
 E-mail: gostarch.pub@yahoo.com
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۹۵-۸۵-۹

فهرست مطالب

۵	□ درباره نویسنده
۷	□ پیش‌گفتار
۱۱	فصل اول: دنیای بیابانگردان ماورای قفقاز و آسیای مرکزی
۶۱	فصل دوم: دولت‌های کوچک ماورای قفقاز و نجد ایران در هزاره اول پیش از میلاد
۸۷	فصل سوم: سغد، فرغانه و خوارزم از عصر هخامنشی تا عصر اسلامی
۱۳۹	فصل چهارم: باکتریا و شمال غربی هندوستان از زمان هخامنشیان تا عصر اسلامی
۱۹۷	فصل پنجم: ترکستان شرقی در دوره رومیان و بودایی‌ها
۲۵۱	فصل ششم: ارمنستان، گرجستان و آلبانیا در نخستین اعصار مسیحیت
۲۹۹	□ کتابشناسی
۳۰۷	□ فهرست تصاویر
۳۲۵	□ فهرست نام‌ها

درباره نویسنده

تامارا تالبوت رایس در سن پترزبورگ به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۰ آنجا را ترک گفت. پس از تحصیل در اوکسفورد و سوربون تا مدتی دستیار پروفیسور هیز^۱ استاد دانشگاه کلمبیا بود. در ۱۹۲۷ با دیوید تالبوت رایس^۲ هنرشناس و بیژانسناس مشهور و استاد هنرهای زیبا در دانشگاه ادنبورگ، ازدواج کرد. ایشان در مناطق زیادی از خاورمیانه به سفر پرداخته است و در جنگ جهانی یکی از متخصصانی بود که در بخش خاورمیانه وزارت اطلاعات کار می کرده است. خانم رایس از کودکی مجذوب تاریخ باستانی روسیه بوده و اطلاعات او درباره این کشور و همچنین تجارب دست اولش وی را قادر ساخته که اطلاعات گران بهایی را که در دسترس بسیاری از دانش پژوهان غربی قرار نداشته است، به دست آورد. کتاب های دیگر این مؤلف عبارت است از سکاها، (که توسط مترجم کتاب حاضر به فارسی ترجمه شده است)، سلجوقیان، و تاریخ مختصر هنر روسیه.

پیش‌گفتار

توجه ما به روزگاران گذشته بر تمدن‌های بزرگی تکیه دارد که عالی‌ترین اقدامات بشر را دربر می‌گیرد. در نتیجه، فرهنگ‌هایی را که به منزله شعبه‌هایی از قدرت‌های خلاقه عمده بوده و در حاشیه رشد و نمو کرده است، نادیده می‌گیریم. اگرچه شاهکارهایی را که به وجود آورده‌اند ممکن است نسبتاً کم بوده باشد اما، بیشتر آثار آن‌ها جالب توجه است. در بیشتر شعبه‌های هنری که در حاشیه رشد و نمو کرده دقت نظر و مهارت دست را به وضوح می‌توان دید. امروزه می‌توانیم عناصر بیگانه‌ای را که در ساخت آثار هنری مؤثر بوده تشخیص، و استفاده‌ای را که هنرمندان از آن‌ها به عمل آورده‌اند نشان دهیم. این امر از دو لحاظ جالب توجه است. یکی آن‌که ما را قادر می‌سازد که اقدامات هنری مناطقی را که در جوار تمدن‌های بزرگ به وجود آمده است مورد بررسی قرار دهیم و دیگر آن‌که توجه خود را به مکاتب عمده‌ای معطوف داریم که هنرمندان آن زمان را تحت تأثیر قرار می‌داده است. این تشایح دوگانه، هم باعث می‌شود که علاقه ما به مکاتب حاشیه‌ای افزایش یابد و هم، این‌که تمدن‌های بزرگی را که در برانگیختن آن‌ها مؤثر بوده است، بیشتر شناسایی کنیم. به وجود آمدن مکاتب دوگانه تنها در آن جوامع حاشیه‌ای مؤثر است که در آن‌جا گونه‌های مختلف فرهنگ و سنت با یکدیگر تلاقی می‌کنند و از آن‌ها عناصر کاملاً تازه و بدیع پدید آورند. چنین اوضاع و احوالی در آسیای مرکزی ماورای قفقاز و شمال شرقی ایران از روزگار باستان تا اواخر قرون وسطی وجود داشته است. در سراسر این سده‌ها مرزهای شرقی،

شمالی و غربی سرزمین‌هایی که دولت‌های بزرگ آن اعصار را تشکیل می‌داد - یعنی بین‌النهرین، هندوستان، چین و در سال‌های اخیر تا حدی تبت - در کنار سرزمین پهناور آسیای مرکزی قرار داشت. از همان روزگار نخست، گله‌داران بیابانگرد اغنام و احشام خود را برای چرا به صحرای بزرگ آسیای مرکزی می‌بردند اما مسلماً در هزاره سوم پیش از میلاد بود که گروه‌هایی از بیابانگردان در محل‌های ویژه‌ای سکونت اختیار کردند و در حواشی جنوبی آن به کشت و زرع پرداختند. با گذشت روزگار، بعضی از این کشاورزان باب داد و ستد را با بیابانگردان دیگر گشودند و به زودی، میان این گروه و جوامع دولت‌های مجاور به صورت افراد واسطه درآمدند هرچند اصطکاک میان بیابانگردان و جوامع مسکون کشاورز همچنان پابرجا ماند.

در هزاره سوم پیش از میلاد بعضی از اقوام بیابانگرد که در حواشی شرقی دریای کاسپین (قزوین) در حرکت بودند در حوالی استرآباد سکونت اختیار کردند. از ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۳ آرن^۱ در منطقه‌ای که این گروه ساکن بود به کاوش پرداخت و دریافت که این اقوام به درجه نسبتاً پیشرفته‌ای از تمدن نایل آمده بودند. مایملک آنان فراوان و متنوع و شامل ظروف صیقلی‌یافته به رنگ‌های سیاه و خاکستری بوده و قرابت‌های آشکاری با ظروفی داشته که امروزه نه تنها آن‌ها را وابسته به ایران، بین‌النهرین و آسیای صغیر، بلکه مربوط به کرت^۲ و یونان نیز می‌دانند. بدبختانه تا هزاره دوم پیش از میلاد، همه آثار حیات در این محل از بین رفت ولی بنا به گفته آرن با روی کار آمدن سامانیان در سده نهم میلادی دوباره احیا شد.

از حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد زاویه جنوب شرقی دریای کاسپین (قزوین) به صورت یک مرکز فرهنگی مهم به نام املش^۳ درآمد ولی جنوب شرقی دامنه قفقاز یکی از نخستین مناطق حوزه غربی ایران بود که در آن‌جا دولتی کوچک در سده نهم به وجود آمد. این دولت یعنی اورارتو بعدها تابع آشور شد. پنج تا هفت سده بعد امیرنشین‌های کوچک ولی متنفذی در نواحی شرقی آسیای مرکزی تشکیل یافت. حتی در این زمان، دشت آسیای مرکزی در اختیار طوایف سکایی باقی ماند. همه این طوایف دارای یک فرهنگ و روش ویژه زندگی خود بودند هرچند قبایل مختلف به صورت متفاوت و مستقل باقی ماندند. در بخش آسیایی دشت آسیای مرکزی هون‌ها

جانشین سکاها شدند. سپس اقوام ترک‌نژاد در آن ناحیه مستولی گشتند و در سده ششم میلادی دولتی نیرومند در جایی به وجود آوردند که اکنون مغولستان نام دارد و پس از مدتی، در آسیای مرکزی سلسله‌های اسلامی سامانیان، غزنویان و سلجوقیان را تشکیل دادند. سرانجام مغول‌های وحشت‌انگیز بر بخش غربی آسیای مرکزی تسلط یافتند. در طی دوهزارسالی که این حوادث در آن‌جا به وقوع پیوست هریک از این طوایف نیرومند در آن دشت به تاخت و تاز مشغول بودند و به تدریج، به طرف غرب به حرکت درآمدند ولی هیچ‌گاه از حمله به ساکنان یا از تجارت با آنان فارغ نبودند.

آگاهی ما دربارهٔ حوادث سیاسی و اقتصادی آن روزگاران دوردست تا همین اواخر بیشتر وابسته به منابع چینی و سپس اطلاعاتی بود که نخست در نوشته‌های یونانیان و سپس مورخان عرب دیده می‌شد. اما در سال‌های اخیر متون آشوری و اورارتویی فراوانی در اختیار تاریخ‌نویسان قرار گرفت و اطلاعات به دست آمده توجه دانشمندان به ویژه جهان‌گردان و باستان‌شناسان را به خود جلب کرده است. در واقع، بیشتر به سبب سفرهای افرادی مانند اورل استاین^۱ و فون لوکوگ^۲ در آغاز سده بیستم بود که باستان‌شناسان درصدد یافتن شهرهای باستانی سرزمینی برآمدند که اکنون افغانستان نام دارد. در همان زمان که دانشمندان غربی به آسیای مرکزی علاقه‌مند شدند روس‌ها در بخش غربی آن به کاوش پرداختند و پس از انقلاب اکبر بسیاری از آنان از استاد بارتولد^۳ هموطن دانشمند خود پیروی کردند و به بررسی متون باستانی پرداختند و در این ضمن، بعضی از آنان نیز، در نواحی مختلف به اکتشافات علمی دست زدند. در نتیجه این پژوهش‌های گوناگون، در دوسوی رود جیحون، به اندازه‌ای آگاهی به دست آمده است که می‌توانیم بسیاری از تغییرات سیاسی، اقتصادی، و هنری ماورای قفقاز، شمال ایران و آسیای مرکزی را از حدود نیمهٔ دوم هزارهٔ پیش از میلاد، تا پایان هزارهٔ اول میلادی را دریابیم، یعنی تا زمانی که مغولان به رسوم دیرپای این منطقه پایان دادند. در طی این مدت، اوضاع و احوال سیاسی در بخش‌های مختلف این منطقه وسیع به اندازه‌ای پیچیده و متحول بوده که با توجه به اختصار و وضوح مطلب، صلاح در آن دانسته شد که مکاتب هنری هر منطقه، براساس جغرافیا و نه از لحاظ تاریخی، مورد بررسی قرار گیرد و از مناطق غربی‌تر آغاز شود و در همان‌جا نیز پایان پذیرد.